هو الحق

فریدالدین محمد بن ابراهیم بن اسحاق کدکنی مشهور به فریدالدین محمد عطار نیشابوری از سترگ‌ترین و نام‌آورترین چهره‌های شعر عرفانی فارسی است. علی‌رغم بسیاری از نوشته‌ها در باب زندگی‌نامه عطار و ذکرتاریخ‌ها در باب تولد و مرگ و رخدادهای دوران زندگی او باید گفت در میان بزرگان شعر فارسی زندگی هیچ یک به اندازۀ عطار در ابر ابهام باقی نمانده است. چنانکه حتی از سال دقیق تولد و وفات او اطلاع دقیق و سند محکمی در دست نیست و تنها به قطع می‌توان گفت که او در نیمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن هفتم می‌زیسته است. در میان تاریخ‌هایی که ذکر شده است، تولد به سال 553 ه.ق. و وفات به سال 627 ه.ق. قابل اعتناتر است. عطار اهل نیشابور بوده و چند کتاب منظوم و یک کتاب به نثر از او بر جای مانده است. استادان معاصر و سلسله مشایخ او در تصوف به قطع روشن نیست و بررسی‌های تاریخی فراوانی در این مورد شده که در احتمالات گوناگون مداقه کرده است، اما وحدت نظر قطعی در میان نیست. همچنین از سفرهای احتمالی عطار که به فراوانی از آنها سخن گفته شده است (در برخی منابع سفر به هند، عراق، شام و مصر آمده است) و این سفرها را منابع کسب علم و حتی سرچشمه الهامات او دانسته‌اند و همچنین از زندگی شخصی او اطلاعات قطعی نداریم. در واقع آنچه از عطار نیشابوری در دسترس است، بیشتر توأم با افسانه‌ها و داستان‌سرایی‌ها و احتمالات است و دانسته‌های ما از او در فاصله حقیقت و رویا و واقعیت و افسانه در نوسان است.

اما آنچه به خوبی می‌دانیم و ادیبان متخصص و مورخین ادبی نامدار بر آن صحه می‌گذارند، مقام و منزلت عطار در شعر عرفانی فارسی است. شعر عطار یکی از مراحل تکامل شعر ایرانی است. استاد شفیعی کدکنی و بسیاری همچون او بر این باورند که در دریای شعر عرفانی سه موح بلند دیده می‌شود. قله موج اول سنائی و قله دومین موج فریدالدین عطار نیشابوری و سومین کوهموج و قله که بلندترین آنها نیر هست جلال‌الدین مولوی است. این سه اقلیم پهناور در ضمن استقلال، سخت به یکدیگر وابسته‌اند و یکدیگر را کامل می‌کنند. نحوه ظهور مولوی به عنوان قله‌نشین شعر عرفانی بدون میراث پیشینی‌اش ، یعنی سنایی و به ویژه عطار قابل تصور نیست. مولانا خود به دفعات از مقام و منزلت عطار در ره عرفان سخن گفته است و هر مورخ تاریخ تحولات فرهنگی در فهم ظهور دیوان شمس و مثنوی معنوی، ناگزیر از درک شعر سنائی و عطار است.

فهم و نقد و نگاه ارزیابانه به آثار عطار با همه ضرورت پرداختن به آثار او برای فهمیدن تاریخ فرهنگ عرفانی، با یک دشواری بزرگ همراه است و آن حجم قابل توجه آثار مجعول منسوب به عطار است که تشخیص و تفکیک آنها سالها به طول انجامیده است و هنوز در میان آثار منسوب به عطار، ابیات و حتی آثاری هست که در انتساب آنها به وی تردید جدی جاری است. عطار در مقدمه *مختارنامه* که خود به احتمال قوی در اواخر عمر به نثر نوشته است، به تصریح از (برخی) آثار خود نام می‌برد: *الاهی‌نامه*، *اسرارنامه*، *منطق‌الطیر(مقامات طیور)،* *دیوان غزلیات (غزلیات و قصاید)* و *مختارنامه (مجموعه رباعیات)* و ذکر می‌کند که دو اثر منظوم خود به نام جواهرنامه و شرح‌القلب را خودش نابود کرده است.

آثار عطار در میان ارباب خانقاه و دوستداران ادب و عرفان ایرانی از متداولترین و رایج‌ترین کتاب‌ها بوده است و به همین دلیل مورد دخل و تصرف کاتبان و مراجعه‌کنندگان قرار گرفته است. از همین روی بسیاری ابیات در این منظومه‌ها یا سرودۀ عطار نیست یا تغییر یافته است.

از نظر استاد شفیعی کدکنی *منطق‌الطیر* یکی از برجسته‌ترین آثار عرفانی در ادبیات جهان است و شاید بعد از مثنوی مولوی هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفان در جهان اسلام به پای این منظومه نرسد و آن توصیفی است از سفر مرغان به سوی سیمرغ و ماجراهایی که در این راه بر ایشان گذشته و دشواری‌ راه ایشان و هلاکت و انصراف برخی و سرانجام رسیدن «سی مرغ» از آن جمع انبوه به زیارت «سیمرغ». این منظومه به لطیف‌ترین بیان ممکن از رابطۀ خلق و دشواریهای راه سلوک سخن گفته است.

*اسرارنامه* عطار نیز منظومه‌ای است مشتمل بر حکایات کوتاه عرفانی که در چندباب تدوین شده است. *مصیبت‌نامه* نیز از برجسته‌ترین آثار عطار است و شاید پس از منطق‌الطیر مهمترین اثر او باشد و کمال و بلوغ فکر و تنوع اندیشه در آن نمایان است و ظاهراً به لحاظ تاریخی نیز آخرین اثر عطار است.

*دیوان غزلیات و قصاید* عطار از متداولترین دیوان‌های شعر فارسی است و از همان قرن هفتم هجری مورد توجه دوستداران شعر فارسی بوده است.

*مختارنامه* مجموعه رباعیات عطار است. او خود در اواخر عمرش حدود دوهزار و سیصد رباعی خود را در پنجاه باب تدوین کرده است*.*

اما در کنار این چهار منظومه عطار اثر شگرف دیگری با نام تذکره‌الاولیاء دارد که بدون تردید در ادبیات منثور در مقام بی‌مانندی جای گرفته است و نه در فارسی و نه در عربی هم‌ترازی ندارد؛ کتابی عرفانی در شرح احوال بزرگان اولیا و مشایخ صوفیه به فارسی. این کتاب مشتمل است بر مقدمه و 72 باب که هریک به زندگی ، حالات ، اندیشه ها و سخنان یکی از عارفان اختصاص دارد؛ نخستین باب به حالات و سخنان امام جعفر صادق علیه السلام و آخرین باب به حسین بن منصور پارسی معروف به حلاّج اختصاص دارد و سرشار از معانی عمیق است.

غزل عطار نیر یکی از مهمترین مراحل تکامل غزل عرفانی فارسی است که در کنار دیوان شمس از مهمترین غرلیات عرفانی فارسی است. یکی از ویژگی‌های جالب توجه در غزل‌های عطار، عاری بودن این غزل‌ها از اصطلاحات فنی عرفانی است. استاد شفیعی کدکنی این را نشانه تسلط شاعر به به تجربه روحانی و عدم نیاز وی به انباشت اصطلاحات فنی عرفانی می‌داند. این سادگی وجه تمایز اشعار عرفانی عطار با اشعار عرفانی نزدیک به ابن‌عربی است.

در توضیح شأن اشعار عطار در طول تاریخ می‌توان از زبان استاد کدکنی گفت شعر عطار،‌ از روزگار حیات او، ‌در میان ارباب سلوک و معرفت با حسن قبولی شگرف روبه‌رو شده است. میدان نفوذ شعرش‌، نسل به نسل‌، در گسترش بوده است. بعد از آشوب‌های حاصل از فتنه تاتار،‌ وقتی جامعه ایرانی به بازسازی فرهنگی خویش کمر بسته و برخاسته است ـ و این کار از طریق نسخه‌های خطی موجود فارسی قابل رسیدگی است - نسخه‌های آثار عطار،‌ قرن به قرن،‌ روی در افزونی نهاده است. نه تنها آثار مسلم و اصیل او چنین سرنوشتی دارند که آثار منحول و مجعول و منسوب به او هم درپرتو نام او،‌ به همین گونه در جامعه‌ی ایرانی و در میان فارسی‌زبانان جهان‌، با حسن قبول روبه‌رو شده است و آمار روزافزون خوانندگان وی در سراسر جهان در طول سالها نشان از صحت این ادعا دارد.